

# دوفصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: Y۴N۵۱۲۴۸۱۴۸۲ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

## رعایت حقوق شهروندی در دادسراها و دادگاه های نظامی کارکنان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۳/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۸/۱۲)

علیرضا برزگر بفروئی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

دکتر علی زارعشاهی

عضو هیات علمی گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

### چکیده

حقوق شهروندی حقوقی است که به افراد از این جهت که در یک جامعه سیاسی خاص زندگی می نمایند، تعلق می گیرد. حفظ حقوق شهروندی تا آنجا اهمیت دارد که عدم رعایت آن و عدم پایبندی به اصول حاکم بر آن، دست یافتن به یک جامعه متعالی و حکومتی مردم سالار را دور از دسترس قرار می دهد. مطابق اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی، صیانت از این حقوق بر عهده قوه قضاییه است. سازمان قضایی نیروهای مسلح به عنوان بخشی از این قوه از این جهت که صلاحیت رسیدگی به جرایم خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح را داراست و این نیروها از نظر تعداد، پراکندگی و تنوع انسانی و همچنین از نظر دارا بودن تجهیزات قدرت نظامی و اختیارات گسترده قانونی، از اقتدارات گسترده ای در ارتباط با حقوق شهروندی برخوردارند، جایگاه موثری در صیانت از حقوق شهروندی دارد. تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی و از نوع پژوهش های کتابخانه ای است. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق فیش برداری بوده و از منابع فقهی و حقوقی برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. با توجه به این پژوهش می توان گفت در سازمان قضایی نیروهای مسلح اصول اساسی حقوق شهروندی مانند حق داشتن وکیل، حق رد دادرس، کارشناس و مترجم، علنی بودن رسیدگی، حق دسترسی به عدالت کیفری استقلال و بی طرفی مرجع رسیدگی کننده، حق علنی بودن دادرسی و حقوق دفاعی متهم که شامل اصل برائت، ضرورت تفهیم اتهام، حق محاکمه حضوری، حق برخورداری از وکیل، حقوق ناشی از صدور حکم، حق تجدیدنظرخواهی منع محاکمه یا مجازات مجدد رعایت می شود. از طرف دیگر حقوق شاکیان در دادسرای نظامی همانند سایر اعضای محاکم نظامی رعایت می شود.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، دادسرای نظام، دادگاه نظامی

### مقدمه

آنچه مشخص است شهروند صرفاً با جمع کردن افراد در مکان خاص و تشکیل اجتماع انسانی به وجود نمی آید. به عبارت دیگر اجتماع انسانی شرط لازم شهروندی محسوب می شود، اما شرط کافی نیست. مردم زمانی شهروند محسوب می شوند که حقوق و وظایف خود را بدانند و به آن عمل کنند و آن وقت است که شهروندی معنا پیدا می کند و آنجاست که حقوق شهروندی شکل می گیرد. حقوق شهروندی یکی از دستاوردهای مثبت بشر است. در بسیاری از موارد مورد تایید اسلام است، مانند حق حیات، حق آزادی بیان، حق تعیین سرنوشت، حق امنیت، برابری و... که همه مورد تایید و تاکید اسلام است. و آیات روشنی درباره آنها در قرآن آمده است. اما در طول تاریخ کشور ما کمتر به حقوق شهروندی افراد توجه شده است. در بسیاری از موارد سلاطین و طبقه نجیب جامعه آنان را از حقوق مردم عادی محروم می کردند، به همین دلیل در مقابل طبقه حاکم از رعایا استفاده می کردند و رعایا به کسانی اطلاق می شد که حقوق محدودی داشتند.

### بخش اول: مفهوم شناسی

به سبب نقش ارزشمندی که حقوق شهروندی در حفظ نظم و امنیت و ارتقای جامعه دارد، همواره مورد توجه اندیشمندان و حقوقدانان قرار گرفته است. به جهت درک صحیح از مفهوم حقوق شهروندی لازم است، واژه های حقوق و شهروندی به طور دقیق تبیین گردد.

### بند اول: حق

از لحاظ لغوی حق دارای معانی متعددی است که در همه آنها اصل ریشه لغوی، یعنی ثبوت حفظ شده است. اما نوع ثبوت در هر یک با دیگری تفاوت دارد و همین امر نیز سبب شده که مفاهیم مختلفی از حق وجود داشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۰). همچنین اصطلاح حق در موارد متعددی به صورت جمع به کار می رود. حقوق به معنای مقررات اجتماعی، دستمزد و پاداش مالی، اختیار برای انجام یک فعل و... به کار می رود (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۷: ۱۳۷). کتب اسلامی در تعریف حق، چنین آورده اند: «حق عبارت است از قدرت یک فرد انسانی مطابق قانون بر انسان دیگر یا بر یک مال یا بر هر دو، اعم از این که مال

مذکور، مادی و محسوس باشد، مانند خانه، یا نباشد مانند طلب» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳: ۱۵). در قرآن کریم، حق در معانی دیگری نیز استعمال شده است: گاهی بر فعل خداوند، واژه حق اطلاق می‌شود. (ذلک بانهم والارض و ما بینهما الا بالحق)<sup>۱</sup>. در معنای اصطلاحی، حق اختیاری است که قانون برای فرد قائل شده است تا بتواند عملی را انجام یا آن را ترک نماید، چنان‌که گفته می‌شود حق مالکیت، حق تصرف. کاربرد واژه حق در این معنی در حقوق اسلامی سابقه دارد (امامی، ۱۳۹۲: ۲). برخی از حقوق‌دانان، هدف حقوق در اندیشه حقوقی را حفظ نظم جامعه می‌دانند و قواعد حقوقی را مقرراتی می‌دانند که از طرف قوای صالح دولت تضمین شده، و هدف آن استقرار صلح و نظم در اجتماع است. پیروان بعضی مکاتب دیگر که برای حقوق مبنای ذهنی و برتر از اراده حکومت می‌شناسند، هدف حقوق را تأمین عدالت می‌دانند؛ به نظر آنها مهمترین منبع حقوق، افکار و نظریات دانشمندان، است و نیز در نظرهایی که منبع اصلی حقوق، عرف و عادت است، هدف حقوق، پیشرفت تمدن و فرهنگ ملت‌ها است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۴۱۹-۴۱۷).

### بند دوم: شهروند

واژه شهروند معادل *Polities* یونانی است (عنایت، ۱۳۷۱: ۱۷). در ادبیات فارسی، شهروند کسی است که اهل یک شهر یا کشور باشد، و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد. در حقوق بین‌المللی، به معنی مصطلح آن، تنها به فرد طبیعی که در واحد سیاسی حکومت کامل سیاسی و مدنی بهره‌مند باشد، قابل ملاحظه اطلاق است (گوله، ۱۳۷۶: ۵۵۲)، و در علوم اجتماعی کسی است که از حقوق مدنی برخوردار است. بعد اجتماعی شهروندی، شامل دامنه گسترده‌ای از حق حداقلی از رفاه و تأمین اجتماعی برای شهروندان تا حق سهیم شده در میراث اجتماعی و حق گذران زندگی بر وفق معیارهای مرسوم جامعه و خلاصه تأمین حداقل‌های آموزش و بهداشت و رفاه اقتصادی را شامل می‌شود. بعد سیاسی شهروندی عبارت است از: حق مشارکت شهروندان در اعمال قدرت سیاسی، خواه

در نقش عضو مجموعه‌ای که قدرت سیاسی به آن تفویض شده و خواه در نقش رأی دهنده‌ای که اعضای چنین گروهی را بر می‌گزیند (هاشمی، ۱۳۹۰: ۴۷).

### بند سوم: شهروندی

در فرهنگ لغت دهخدا، واژه شهروند، در اصل شهربند بوده است به معنای کسی که مقید و محصور به جایی شده است، که بند به مرور زمان، به «وند» تبدیل شده است. مفهوم شهروند دارای سابقه طولانی است و ریشه در دولت‌های یونانی دارد. این مفهوم در طول تاریخ توسعه یافته است، به گونه‌ای که در دولت - ملت‌های امروزی، معنای گسترده‌تری به خود اختصاص داده است (فالكس، ۱۳۹۰: ۵۶). به نظر مارشال، شهروندی پایگاهی است که به تمامی افرادی که عضو تمام عیار اجتماع هستند، داده شده است. این افراد همگی دارای جایگاه برابر و حقوق، وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند (فریدمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲: ۱۶۸). در واقع، شهروند به کسی گفته می‌شود که در شهر یا کشوری زندگی می‌کند و از حقوق آنجا بهره‌مند می‌گردد. به تعبیر آنتونی گیدنز شهروند، عضو یک اجتماع سیاسی است که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است و حقوق مدنی را حقوق قانونی همه شهروندانی می‌داند (گیدنز، ۱۳۶۷: ۷۹۵). توسعه مفهوم شهروندی ناشی از توسعه دامنه حقوق افراد به عنوان شهروند است، اگر چه شهروند به هر یک از اعضای دولت - ملت‌ها اطلاق می‌گردد، اما محتوای شهروندی بر مبنای حقوقی که آنها دارند، از دولت به دولت دیگر متفاوت است

### بند چهارم: حقوق شهروندی

گریوز در تعریف حقوق شهروندی می‌گوید: «حقوق شهروندی بهتر است که تکالیف و وظایف دولت در برابر اعضایش نامیده شود» (فالكس، ۱۳۹۰: ۵۶). باربالت بر این عقیده است که همه حق‌هایی که دولت را محدود می‌کنند، فی‌نفسه حقوق شهروندی نیستند، اما همه حقوق شهروندی در این ویژگی سهیم هستند، هر چند حقوق خاص و غیریکسان و متفاوت شهروندی به شیوه‌های مختلف این کار را انجام می‌دهند. به اعتقاد او، حقوق شهروندی به عنوان حقوق افراد در جامعه یک

<sup>۱</sup> - Friedmann



دولت ملی در نهایت به وسیله دولت، حفظ و تأمین خواهد شد، اما این خصلت و ویژگی منحصر به فرد، حقوق شهروندی نیست. به طور کلی، تکالیف و وظایف را از دیگران مطالبه می‌کنند (باربالت، ۱۳۸۳: ۳۴). بنابراین حقوق شهروندی عبارت است از مجموعه‌ای از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده دولت می‌باشد و شهروندان با تمسک به آن انتظار دارند که به تمامی حقوق خود دست یابند مانند: حقوق اساسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و... قانون، تبلور حق است گسترش زمینه‌های فرهنگی احترام به قانون، گامی در گسترش حقوق شهروندی می‌باشد تا شهروندان بیاموزند و اعتقاد پیدا کنند که قانون فی‌نفسه مقوله‌ای مقدس و محترم است زیرا ضامن حقوق آنها است و تأمین‌کننده مصالح عمومی. تساوی مردم در مقابل قانون بد، بهتر از نبودن قانون یا اجرای غلط قانون خوب است (وکیلان، ۱۳۸۷: ۹).

#### **بند پنجم: انواع حقوق شهروندی**

از تعاریف مربوط به حقوق شهروندی، انواع آن قابل استنباط است. ترنر گفته است: «شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و وظایف است که دستیابی هر فرد به منابع اجتماعی و اقتصادی را تعیین می‌کند». تی. اچ مارشال شهروندی را به سه عنصر مدنی سیاسی و اجتماعی تحلیل می‌کند. شهروندی، موقعیت اعطا شده به اعضای کامل اجتماع است (شیبانی، ۱۳۹۴، ۱۶۵).

به طور خلاصه حقوق شهروندی به انواع زیر قابل تقسیم است.

#### **بند ششم: حقوق مدنی**

مهم‌ترین حقی که همه و به ویژه بیگانگان و اقلیت‌ها باید از آن برخوردار باشند حق امنیت است. پیامبر (ص)، در پیمانی که با یهود و دیگر ساکنان مدینه بستند، تأکید داشتند که در مدینه همه در امنیت کامل هستند و هیچ کس حق تعرض به کسی را ندارد. در صورت بروز جنگ با کفار، ابتدا تنها دعوت آنان به اسلام لازم است و در صورت عدم پذیرش، جنگ مجاز است، اما در مورد اقلیت‌ها، در صورت عدم پذیرش دعوت، در صورت امکان انعقاد پیمان همزیستی، جنگ با آنها ممنوع است. پیامبر اکرم (ص) خالدبن ولید را با لشکری به مقابله با دشمنان فرستاد.



خالد به گروهی از اهل کتاب برخورد کرد و پس از عدم پذیرش اسلام با آنان جنگید و عده‌ای را کشت. پیامبر (ص) از این موضوع ناراحت شد و دستور داد که دیه کشته‌ها از بیت‌المال به خانواده‌هایشان پرداخت شود (شریعتی، ۱۳۸۵، ۱۳۱). به موجب اصل ۲۲ قانون اساسی «حیثیت، جان، حقوق و مسکن اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند». متن سؤال شورای عالی قضایی از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و پاسخ ایشان، که مربوط به سال ۱۳۶۲ است، اهمیت لزوم حفظ امنیت برای غیرمسلمانان، حتی غیراهل کتاب را در کشور نشان می‌دهد. سؤال: محضر مبارک آیت الله العظمی‌الامام خمینی دام ظلّه العالی علی رؤوس المسلمین بعد التحیه و السلام تقاضا می‌شود سؤال ذیل را جواب مرقوم فرمایید. آیا غیر مسلمانان که در مملکت ایران زندگی می‌نمایند، از اهل کتاب یا غیر آنها، اگر مرتکب جرمی بشوند که حد یا تعزیر دارند، مانند سرقت و زنا یا جاسوسی یا افساد یا محاربه یا قیام علیه حکومت و همانند این‌ها، آیا مانند مسلمانان باید مجازات شوند یا آن‌که مجازات آنها در مانند جاسوسی به بعد احتیاج به اشتراط ترک دارد و یا آن‌که چون با مثل جاسوس حربی شوند به مانند کفاری که شرایط ذمه عمل نکنند با آنان معامله گردد، یعنی برگرداندن به مأمن و یا تخییر حاکم بین قتل یا فدیة یا استرقاق که حضرت عالی در مسأله ۸ تحریرالوسیله ج ۲ ص ۵۰۳، رد تخییر اشکال فرمودید. امام جواب فرمودند: باسمه تعالی، کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمان‌های دیگر درباره آنها جاری است و محقوق الدم بوده و مالشان محترم است (مهرپور، ۱۳۹۴: ۱۶۹-۱۶۸). سیره پیامبر (ص) گویای احترام ایشان به اقلیت‌هاست. به طوریکه حتی به جسد آنها نیز احترام می‌گذارند. منقول است که جنازه‌ای را از کنار پیامبر (ص) عبور می‌دادند، ایشان به احترام آن بپا خاستند. اصحاب گفتند: جنازه فردی یهودی بود. حضرت (ص) به آنان فهماندند که از این مطلب مطلعند و فرمودند: «ألیست نفسا؛ آیا جنازه انسانی نبود». این امر نشان می‌دهد که پیامبر خدا (ص) برای انسان فارغ از کیش و مرام وی احترام قائل بودند (شریعتی، ۱۳۸۵: ۱۳۴). از جمله حقوق مدنی اشخاص، حق استقلال در احوال شخصیه است. اقلیت‌های به رسمیت شناخته شده در کشور اسلامی آزادند که بر اساس دین خود در



موضوعاتی مانند ازدواج، طلاق، ارث و وصیت عمل کنند و دادگاه اسلامی نیز باید در این امور، بر طبق مذهب خود اشخاص عمل کنند (شریعتی، ۱۳۸۵: ۲۳۵). در حقوق ایران نیز بر اساس اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی اقلیت‌های کلیمی، زرتشتی و مسیحی در احوال شخصیه، مثل ازدواج، طلاق، ارث، وصیت، نسب، نفقه، مهریه تابع مذهب خودشان هستند. طبق قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایران غیرشریعه محاکم، مصوب ۱۳۱۲ و نیز رأی وحدت رویه ۳۷-۱۳۶۳/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها موظفند برای ایرانیان غیرشریعه، که مذهب آنها به رسمیت شناخته شده است مثل مذاهب اهل سنت، مذاهب مسیحی کاتولیک، پروتستان و ارتدکس، بر طبق قواعد و عادت مسلمة متدواله مذهب آنها رأی بدهند، مگر این‌که مخالف انتظامات عمومی باشد. در حمایت از اهل ذمه احادیث متعددی از رسول اکرم (ص) نقل شده است. قال رسول الله (ص): «الا من ظلم معاهدا، او کلفه فوق طاعته‌او، اخذ منه شیئا بغیر طیب نفسه فأنا حجيجه يوم القيامة؛ آگاه باشید کسی که به غیرمسلمانی (که با مسلمانان پیمان و معاهده بسته است و مقررات پیمان را اجرا می‌کند و بر ضد منافع مسلمین فعالیت نمی‌کند) ستم روا دارد و یا او را تکلیف ملایطاق کند یا مالی را بدون رضایت وی از او بگیرد، من در روز قیامت با او احتجاج می‌کنم». امام علی (ع) فرمود: «انسان‌ها دو دسته‌اند یا برادر دینی تو هستند یا در آفرینش با تو یکسان هستند» (حیدری نراقی، ۱۳۸۵: ۶۰۳). بنابراین می‌توان گفت این حقوق شامل موارد متعددی است، مثل حق آزادی، مصونیت از تعرض، آزادی بیان، مذهب، برابری در برابر قانون، ممنوعیت تبعیض بر اساس جنس، نژاد، منشأ ملی یا زبانی حمایت از شخص در برابر اقدامات غیرقانونی دولت مثل حبس (غیرقانونی) یا کار اجباری.

### بند هفتم: حقوق سیاسی

حق آزادی بیان و عقیده و آزادی عمل در انجام اعمال مذهبی توسط اقلیت‌ها، از مهم‌ترین حقوق شهروندی است. مطالعه سیره پیامبر اسلام (ص) در دعوت گروه‌های مختلف اهل کتاب که در شبه جزیره عربستان و یا مناطق مجاور سکونت داشتند و توصیه‌هایی که آن حضرت (ص) به هیأت‌های اعزامی مبلغین و نمایندگان رسمی و نامه‌بران داده می‌شد با توجه به مضمون نامه‌ها و پیام‌ها و



متن قراردادهای می‌تواند ما را به میزان احترامی که اسلام به عقیده و ایمان گروه‌های مخالف، مخصوصاً اهل کتاب قائل است رهنمون باشد. موضوع آزادی و احترام به عقیده و محکومیت اصل اجبار و تحمیل، تنها ویژه مسائل اعتقادی نبوده در عمل نیز جاری است. اسلام اجبار غیرمسلمانان را به انجام مراسم و آداب اسلامی محکوم می‌شمارد تا آن‌جا که مرحوم محقق در شرایع می‌گوید: مرد مسلمان هر گاه همسر یهودی یا نصرانی داشته باشد، نمی‌تواند وی را به انجام غسل وادار نماید. پیامبر اکرم (ص) به نمایندگان و علماء و روحانیون اقوام غیرمسلمان که به مدینه می‌آمدند، احترام بسیار می‌گذاشت و اجازه می‌داد آزادانه انتقادهای و اشکال‌های خود را بازگو کنند و خود با آنان از طریق برهان و استدلال گفتگو می‌کرد (عمید زنجانی، ۱۳۷۰: ۱۵۸-۱۵۷). در دوران خلافت پنج‌ساله حضرت علی علیه السلام به بهترین وجهی حق آزادی بیان و سایر آزادی‌های مشروع رعایت شد و شیوه برخورد وی با متعصب‌ترین و بی‌منطق‌ترین مخالفان حکومتش یعنی گروه خوارج، گواه این مدعاست (مهرپور، ۱۳۹۴: ۱۵۵). در حقوق ایران، طبق اصل بیست و سوم قانون اساسی، «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کسی را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد». طبق اصل ۲۰: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون». همچنین طبق اصل بیست و ششم: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت». بنابراین می‌توان گفت حقوق سیاسی حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرآیندهای آزاد حکومت ضروری است و موارد زیر را در بر می‌گیرد:

حق رأی و امکان تصدی مسئولیت در سطح حکومت

آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن

آزادی دسترسی به اطلاعات و امکان فعالیت‌های سیاسی.



### بند هشتم: حقوق اقتصادی - اجتماعی

از جمله مهم‌ترین حقوق اقتصادی-اجتماعی حق کار کردن و تأمین معاش است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اصلحوا دنیاکم؛ دنیای خود را اصلاح کنید»، و نیز می‌فرمایند: «طوبی لمن اسلم و کان عیشه کفافاً؛ خوشا آن کسی که مسلمان است و معیشت به اندازه کافی دارد». البته توصیه‌های اجتماعی رسول اکرم صلی الله علیه و آله غالباً با اندرزهای اخلاقی و ذکر آخرت همراه است. همچنین از ایشان نقل شده که: «طوبی لمن هدی الاسلام و کان عیشه کفافاً و قنع؛ خوشا آن که با اسلام هدایت شود، معیشت او به حد کافی باشد و قناعت کند» (پاینده، ۱۳۸۵: ۲۹۴ - ۲۹۳). لازمه تضمین حقوق اقتصادی، تضمین حق مالکیت است. هر کس مالک اموال و اشیایی است که به طور مشروع به دست آورده است، این حق ارتباطی با دین و کیش فرد ندارد و هر کس که حق سکونت در کشور اسلامی را دارد، از حق مالکیت برخوردار است. البته کفار و افرادی که در جنگ با کشور اسلامی به سر می‌برند اموالشان حکم غنیمت را دارد. افراد ساکن کشور اسلامی که با دولت اسلامی پیمان بسته‌اند، اموالشان در پناه حاکمیت بوده و از امنیت کامل برخوردار است. حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «لا تمسن مال احد من الناس مصل و لا معاهد؛ هرگز به مال فردی از مردم نماز خوان یا معاهد (غیرمسلمانی که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کند) دست نزنید». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در معاهده مدینه تعرض به اموال معاهدان را ممنوع کردند و این حکم شامل همه اشیایی است که نزد آنان مال محسوب می‌شود و همه را امت واحده خواندند. فقها دزدی از کافر را مشروع نمی‌دانند. در تاریخ آمده که در جریان جنگ خیبر، قبل از فتح قلعه، چوپان یهودیان اسلام آورد و گله گوسفندان را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد تا به ایشان تسلیم کند. پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که همه سربازان گرسنه بودند قبول نکرده و به وی سفارش کردند که این گله در دست تو امانت است، باید به صاحبانش برگردانی (شریعتی، ۱۳۸۵: ۱۳۰). در حقوق ایران، طبق اصل چهل و ششم قانون اساسی: «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از



دیگری سلب کند». از جمله حقوق اجتماعی که در زمره نیازهای اساسی انسان برای زندگی در جامعه است، حق مسکن می‌باشد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «ثلاث من نعيم الدنيا و ان كان لانعيم لها. مركب و طيء و المراه الصالحه والمنزل الواسع؛ سه چیز از نعيم دنياست، اگر چه دنيا را نعيمی نیست، مركب راهوار، زن پارسا، خانه وسیع». همچنین می‌فرمایند: «خير المجالس اوسع؛ بهترین مجالس آن است که وسیع‌تر باشد» (پاینده، ۱۳۸۵: ۱۹۷ و ۲۲۸). در حقوق ایران اصل سی و یکم قانون اساسی چنین مقرر می‌دارد: «داشتن مسکن مناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است». بنابراین، در حالی که دستور رسول اکرم صلی الله علیه و آله، خانه وسیع برای همگان است، اصل ۳۱، این حق را صرفاً برای ایرانیان و آن هم در حد نیاز به رسمیت شناخته است. غیرایرانیان برای داشتن مسکن، طبق مقررات دارای محدودیت‌های زیادی هستند (سلجوقی، ۱۳۹۹: ۳۴۶). این محدودیت‌ها، در عمل، مضاعف می‌گردد. از دیگر حقوق مهم اجتماعی، که دارای جنبه‌های فردی نیز هست، حق برخورداری از استراحت و تفریح و استفاده از اوقات فراغت برای همگان است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «الهاو و العبوا فانی اکراهان یری فی دینکم غلظه؛ تفریح کنید و بازی کنید زیرا دوست ندارم که در دین شما خشونت دیده شود» و نیز این که «ان الله لا یواخذ المزاح الصادق فی مزاحه؛ خداوند شخصی را که بسیار شوخی می‌کند و در شوخی خود صادق باشد، مؤاخذه نمی‌کند» (پاینده، ۱۳۸۵: ۸۷). حق برخورداری از تفریح و اوقات فراغت، به عنوان یکی از حقوق ملت، در هیچ یک از اصول قانون اساسی ذکر نشده است. بدیهی است که در صورت ذکر در قانون اساسی، قانوناً برای ارگان‌های دولتی تکلیف اجرای آن به وجود می‌آمد و تمامی مقررات و مصوبات همزمان با ایجاد اشتغال و درآمد کافی برای همگان، امکانات و توان استفاده از اوقات فراغت و تفریح را فراهم می‌آورد. در بین اقشار اجتماع، همگان بر حق والای مادران اذعان دارند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز بر حق مادران تأکید زیادی نموده است. ایشان فرموده‌اند: «امک، امک ثم امک ثم اباک ثم الاقرب فالاقرب؛ مادرت، مادرت، سپس مادرت، بعد از آن پدر خود را و پس از آن کسانی را که به تو نزدیک‌ترند». حدیث مشهور «الجنه تحت اقدام



الامهات» را همگان شنیده‌اند که بهشت زیر پای مادران است (پاینده، ۱۳۸۵: ۸۹). بند ۱۲ اصل ۲۱ قانون اساسی نیز بر حمایت از مادران، به ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند تأکید دارد و مجموعه مقرراتی که در قوانین استخدامی، مثل قانون خدمت نیمه وقت بانوان، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره افزایش حق حضانت فرزند توسط مادر از ۲ سالگی به ۷ سالگی و سایر مقررات وضع شده، همسو بودن جهت‌گیری قانونگذار را با سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حمایت مادی و معنوی از مادران نشان می‌دهد. البته در مورد اجرای بند ۳ اصل ۲۱ قانون اساسی، تکلیف دولت در ایجاد بیمه خاص بیوه‌ها و زنان سالخورده و بی‌سرپرست به نظر می‌رسد که گام اساسی برداشته نشده است. از طرف دیگر با توجه به این که، در مجموع، بیگانگان مقیم ایران از حمایت‌های اجتماعی کمتری نسبت به ایرانیان برخوردارند، این محرومیت‌ها شامل مادران غیرایرانی ساکن ایران نیز می‌شود. از مهم‌ترین حقوق اجتماعی، حق رفاه برای همگان است. منقول است که حضرت امیر علیه السلام از کوچه‌ای می‌گذشتند. پیرمردی را دیدند که تکی می‌کند، پرسیدند چرا چنین است. اصحاب گفتند او فردی مسیحی است. حضرت فرمودند «تا توان داشت از او کار کشیدید حال که ناتوان شده او را رها کرده‌اید، از این پس از بیت‌المال به او روزی دهید». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در مواردی از بیت‌المال به غیرمسلمانان کمک می‌کرد. برای مثال عبدالله بن سهل از طرف ایشان مأمور به جمع‌آوری سهم مسلمانان از محصولات خیبر شد. پس از مدتی جسد او را در مزارع خیبر یافتند. از قاتل اطلاع دقیقی در دسترس نبود و پیامبر صلی الله علیه و آله به سران یهود نامه نوشتند که جسد مسلمانی در سرزمین شما پیدا شده باید دیه آن را بپردازید. در پاسخ قسم یاد کردند که ما در کشتن او نقشی نداشته‌ایم و از قاتل نیز اطلاعی نداریم. پیامبر صلی الله علیه و آله بر آنان سخت نگرفت و دستور دادند که دیه مقتول از بیت‌المال مسلمانان پرداخت گردد (شریعتی، ۱۳۸۵: ۱۳۶ - ۱۳۵). تأمین اجتماعی نقش مهمی در حق رفاه افراد دارد. مجموعه اقدامات سازمان یافته‌ای که جامعه برای حمایت از اعضای خود به هنگام تنگناهای اقتصادی و اجتماعی (مانند بیماری، بیکاری، حادثه ناشی از کار، پیری، از کار افتادگی و مرگ



سرپرست خانوار) پیش‌بینی و انجام می‌دهد، تأمین اجتماعی نامیده می‌شود (استوار سنگری، ۱۳۸۴: ۱۱). حقوق اقتصادی اجتماعی، که از آن به «عضویت کامل در عرصه ی اجتماعی جامعه» نیز تعبیر شده است، موارد زیر را در بر می‌گیرد: حق مالکیت، حق کارکردن، برابری در فرصت‌های شغلی، حق بهره‌مندی از خدمات اجتماعی بهداشتی، بهره‌مندی از تأمین اجتماعی و استاندارد زندگی متناسب برای شخص و حمایت از شخص در مواقع بیکاری، پیری و از کار افتادگی.

### **بند نهم: حقوق فرهنگی**

چنانچه حق آموزش و پرورش و علم‌آموزی را از حقوق فرهنگی بدانیم، صراحتاً می‌توان گفت بیشترین سخنان پیامبر (ص) در باب اهمیت علم و مقام والای دانشجویی و معلمی برای همگان است. مثل: «طلب العلم افضل عندالله من الصلاه و الصيام و الحج و الجهاد؛ جستجوی دانش نزد خدا از نماز و روزه و حج و جهاد در راه خداوند (عزوجل) بهتر است»؛ و حدیث معروف «طلب العلم فریضه علی کل مسلم، ان طالب العلم یتستفر له کل شیء حتی الحیتان فی البحر؛ جستجوی علم بر هر مسلمانی واجب است و همه چیز، حتی ماهیان دریا برای جویای علم آموزش می‌طلبند». همچنین پیامبر اعظم (ص) فرموده‌اند: «العلم لا یحل منعه؛ جلوگیری از علم جایز نیست» (پاینده، ۱۳۸۵: ۲۹۲-۲۹۱). در حقوق ایران در بند سوم اصل سوم قانون اساسی «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه و تمام سطوح و تسهیل و تصمیم آموزش عالی» پیش‌بینی شده است. از جمله حقوق فرهنگی، برخورداری از حق عمل به تعالیم دینی و عدم ایجاد محدودیت برای اقلیت‌های دینی و داشتن عبادتگاه‌های خاص خودشان است. پیامبر (ص) از همان آغاز که به مدینه هجرت کرد، یهود مدینه را در پیمان هم‌زیستی شرکت داد و آنان و مسلمانان و کلیه هم‌پیمانان را یک امت خواندند و همان‌طور که مسلمانان در مسجد مدینه نماز می‌خواندند، یهودیان نیز در معابد خویش به عبادت می‌پرداختند، و کسی حق تعرض به آنها و یا به معابد آنها را نداشت. بعدها مسیحیان نجران و برخی از مناطق دیگر نیز به هم‌پیمانان مسلمانان افزوده شدند. زمانی که گروهی از مسیحیان نجران برای بررسی و تحقیق درباره اسلام به مدینه آمدند، پیامبر (ص)، آنان را در مسجد به حضور پذیرفت و به آنان

اجازه داد تا در همان جا عبادت کنند و مسیحیان به سوی مشرق ایستادند و عبادت خویش را به جای آوردند. این مفاد پذیرش حقوق اقلیت‌ها در عرصه مذهبی و دینی است. مورخان نقل کرده‌اند که لشکریان اسلام در جنگ‌ها هیچ تعرضی به معابد اهل کتاب نداشتند (شریعتی، ۱۳۸۵: ۱۳۳ - ۱۳۲). در حقوق ایران نیز طبق اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی، مذاهب دیگر اسلامی، غیر از جعفری اثنی‌عشری و نیز سایر مذاهب اهل سنت، اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی و نیز ایرانیان زردتشتی، کلیمی و مسیحی در انجام مراسم دینی خود آزاد هستند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. همچنین طبق اصل ۱۵، «استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است». در اصل نوزدهم نیز ذکر شده است که: «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود». حفاظت از فرهنگ و زبان اقلیت‌ها، حق دستیابی به فرهنگ و زبان اکثریت، حق داشتن سنت‌ها و شیوه های زندگی متفاوت، حق داشتن ارتباطات فرهنگی و بین‌المللی، احترام به تفاوت‌های قومی و فرهنگی و برابری در آموزش از مهم‌ترین حقوق فرهنگی است (گلدوزیان، ۱۳۸۵: ۵۶-۶۴).

### بخش دوم: علل و اهداف تشکیل دادسراها و دادگاه های نظامی

از جمله مهمترین علل و اهداف تشکیل سازمان قضایی نیروهای مسلح عبارتند از (معاونت قضایی و حقوقی اداره کل آموزش و امور فرهنگی، ۱۳۸۸، صص ۵-۳):

- وظایف حساس و مهم نیروهای مسلح: نظر به اینکه نیروهای مسلح وظایف مهم و خطیری بر عهده دارند در همه کشورها تشکیلات خاصی برای رسیدگی به جرایم نظامیان وجود دارد.
- حفظ اسرار نیروهای مسلح: اهمیت تشکیلات نظامی و توان رزمی و دفاعی اقتضا می‌کند در جریان رسیدگی به پرونده های کارکنان نیروهای مسلح اسرار نظامی بازگو نشود، لذا باید نهاد قضایی مشخصی به این پرونده ها رسیدگی کند تا اسرار نظامی حفظ شود. اهمیت حفظ اسرار تا حدی است که براساس فرمان حضرت امام خمینی رحمه الله علیه رسیدگی به جرایم



کارکنان وزارت اطلاعات نیز علاوه بر اعضاء نیروهای مسلح از سال ۱۳۶۶ با رعایت شرایطی به سازمان قضایی نیروهای مسلح محول گردیده است.

- تسریع در رسیدگی به جرائم نیروهای مسلح: نظر به وظایف و مأموریت‌های حساس و مهم محوله به نیروهای مسلح، سرعت در رسیدگی به جرائم کارکنان این نیرو نیز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و همین امر موجب شده است که حتی در برخی مواقع به فرماندهان اجازه داده شود تا متخلفان را مطابق مقررات آیین‌نامه انضباطی مورد تنبیه انضباطی قرار دهند و سپس پرونده مربوطه را جهت رسیدگی به محاکم نظامی ارسال نمایند. بر همین اساس ماده ۱۳۶ ق.م.ج.ن.م. مصوب ۱۳۸۲ مقرر داشته است: «هرگاه جرم ارتكابی کارکنان نیروهای مسلح جنبه تخلف انضباطی نیز داشته باشد، رسیدگی به تخلف از نظر انضباطی توسط فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح انجام می‌شود و این موضوع مانع رسیدگی به جرم در مرجع قضایی نخواهد بود و فرماندهان مکلفند مراتب وقوع جرم را به مرجع قضایی اعلام نمایند».

- قاطعیت در رسیدگی به جرائم نیروهای مسلح: وظایف و مأموریت‌های نظامی، رعایت نظم و انضباط و سلسله مراتب فرماندهی از جایگاه بسیار مهمی در نیروهای مسلح برخوردار است؛ به همین جهت پاره‌ای از اعمالی که در سایر ارگان‌ها جرم محسوب نمی‌شود، در نیروهای مسلح جرم به شمار می‌آید و از آنجایی که آثار وقوع جرم در نیروهای مسلح نسبت به سایر دستگاه‌ها زیان‌بارتر است، همین امر اقتضاء دارد که اگر جرمی در سازمان نیروهای مسلح رخ دهد، با قاطعیت و ظرافت بیشتری با آن برخوردار شود.

- ضرورت رسیدگی عادلانه و آگاهانه به جرائم نیروهای مسلح: نظر به اینکه نیروهای مسلح دارای سلسله مراتب و مقررات خاصی است لذا مراجعی که عهده‌دار رسیدگی به جرائم نظامی می‌باشند، باید از اصول و قواعد نظامی حاکم بر سلسله مراتب در نیروهای مسلح مطلع باشند؛ آن‌چنان‌که به موجب ماده ۴ قانون دادرسی نیروهای مسلح اولویت در تصدی سمت‌های

قضایی در دادگاه ها و دادرهای نظامی با حقوقدانان نظامی واجد شرایط است و در این راستا سازمان قضایی در مقاطع مناسب برای قضات غیرنظامی دوره های تخصصی و توجیهی در خصوص قوانین و مقررات برگزار می کند (معاونت قضایی و حقوقی اداره کل آموزش و امور فرهنگی، ۱۳۸۸، صص ۵-۶).

### بخش سوم: مبانی حقوق بشر و شهروندی در غرب

- آزادی های مشروع و اساسی در غرب بر اساس مکتب لیبرالیسم تعریف شده است. از این منظر، مفهوم فلسفی آزادی با اصل حاکمیت اراده توجیه می شود. بر این مبنا، اروپائیان پس از گذراندن دوران فشارهای ناشی از حاکمیت کلیساهای فاسد و حکومت های ظالم، با تأکید بر حقوق طبیعی بنیان حقوقی را ایجاد نمودند که بتوانند از گزند حکومت ها در امان بماند. بر این اساس، انسان ها بر اساس لیاقت ها و فضائلی که دارند از این حقوق بهره مند می شوند. اما علی رغم این مبنای طبیعی و غیر قابل سلب، این حقوق در قانون تعریف می شوند و از این طریق قابل اجرا و دارای ضمانت اجرا خواهند بود. دیدگاه دیگری که درباره حقوق وجود دارد فرض وجود قرارداد است. در این مبنا، تشکیل حکومت نیاز به توافق اعضای بالغ جامعه دارد، هر چند این قرارداد به صورت پیش فرض تصور می شود و در عالم واقع رخ ندهد. حدود اختیار دولت و مردم بر اساس این توافق تنظیم می شود، از آن رو که مردم حقوق مطلق ندارند و نمی توانند حکومت مطلق نیز ایجاد نمایند. بنابراین، اگر دولتی از این توافق تخطی کند و حقوق مردم را نقص نماید، مشروعیت خود را از دست می دهد. اما اشکال اساسی در این نظر آن است که از ایجاد حقوق بنیادین و فارغ از زمان و مکان در می ماند و نمی تواند چنین نظام حقوقی را سامان دهد. ضمن این که افراد نمی توانند از برخی از حقوق خود (هم چون حق حیات) صرف نظر کنند و دیگران نیز حق سلب این حقوق را ندارند و به این امر در این دیدگاه توجه نشده است. بطور خلاصه دو مبنا را برای حقوق شهروندی در غرب می توان بیان کرد. یکی دیدگاه مبتنی بر جمهوری گرایی و دیگری مبتنی



بر لیبرالیسم. در دیدگاه لیبرالی، حقوق شهروندی بعنوان مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف ملازم یکدیگراست که هر کسی که شهروند جامعه باشد به طور برابر از آن برخوردار می‌شود. یعنی هر شهروند در عین انتظار امنیت فردی و آزادی و حق رأی، تکلیف خدمت سربازی را هم دارد. در دیدگاه جمهوری گرا، افزون بر این بیان، اندیشه آرمان خواهی هم در مفهوم حقوق شهروندی نهفته است و در آن چهار جز اصلی وجود دارد:

- اول- بی‌گمان، شهروندان مجموعه‌ای از حقوق برخوردارند.
- دوم- همراه با این حقوق، تکالیفی نیز برای شهروندان وجود دارد.
- سوم- شهروندی متضمن تمایل به گام برداشتن در جهت اجرای حقوق سایر اعضای جامعه سیاسی است.
- چهارم- این تمایل برای اجرای حقوق دیگران، براساس توافق همگانی و آرمانی عملی می‌شود (علیدوستی، ۱۳۹۱: ۵۰).

#### بخش چهارم: مبانی حقوق بشر و شهروندی در اسلام

یکی از مهمترین آموزه های حیاتی و محور مشترک ادیان الهی، اثبات کرامت انسانی است؛ چرا که این امر، انسان را از ارتکاب گناهان و تعدی به حقوق دیگران باز می‌دارد. باز کردن غل و زنجیرهایی که طاغوت‌ها بر دست و پا و اندیشه بشریت بسته‌اند، آرمان انبیاء و اولیاء الله بوده است. برخی از حقوق انسانی را می‌توان با طبیعت انسان اثبات نمود. نیاز و میل طبیعی انسان به سمت جنس مخالف و علاقه به تشکیل خانواده و فرزندان می‌تواند سندی برای مطالبه این حقوق باشد. وجود یک استعداد بالقوه در انسان نیز می‌تواند ادله ی اثبات این حق برای ابنای بشر محسوب شود. در روایات اسلامی نیز آمده است که از دست کسی که در وجود خود احساس کرامت نمی‌کند، مصون نیستند. و یا در جای دیگر گفته شده است: کسی که در وجود خود احساس کرامت می‌کند، آن را به گناه نمی‌آلاید. مبنای حقوق در اسلام، اندیشه های انسان شناسانه و جهان بینی خاصی است که تا به آنها توجه نشود، نه فلسفه احکام شناخته شده و حدود اجتهاد معلوم می‌گردد و نه شناخت و اجرای حکم میسر خواهد شد. پذیرش مسئولیت انسان در برابر خداوند و رابطه عبودیت در تعیین حدود حقوق انسان بسیار مؤثر است. اما اثبات



وجود حقوقی مشترک که برای جمیع افراد یک جامعه و تمام ابنای بشر، نیاز به اثبات حقیقت و ذات مشترک این انسان‌ها دارد و تا زمانی که کثرت‌ها بر اندیشه بشر حکومت می‌کند، اثبات قدر مشترک چندان ساده نیست و به عبارت دیگر، نمی‌توان برای همگان حقوق برابر و متقنی را تصویب نمود. مفهوم فطرت در اسلام، معنای کاملی را در بیان قدر مشترک انسان‌ها دارد. فطرت در معنای خاص در برابر طبیعت قرار می‌گیرد. اسلام با پذیرش دو بعد طبیعی و روحانی برای انسان، اصالت را به روح می‌دهد. فطرت حقیقتی، فطرت یکسان و همگانی در میان انسان‌هاست که آنها را به سمت کمال و حقیقت سوق می‌دهد و جامع حقیقت انسانی است. بر اساس نظریه فطرت، انسان دارای ادراک و گرایش‌های فطری است. بر این اساس نمی‌توان انسان‌ها را صرفاً ظروفی خالی تصور کرد. فطرت، ویژگی‌های عمده‌ای دارد که برای اثبات حقوق بشر و شهروندی ما را به مطلوب می‌رساند:

اول این‌که، همگانی است، یعنی همه افراد، فارغ از دین و دولت، از آن برخوردار هستند.

دوم: موهبتی و غیراقتسابی است و همه انسان‌ها از بدو تولد از آن برخوردارند. از این‌رو، برای اثبات وجودش نیازی به احراز شرایط و مقدمات خاصی نیست. بنابراین، منشأ حقوق در اسلام یا فطرت است، یا طبیعت. البته سهم این عناصر در تکوین حقوق بشر به یک اندازه نیست و در تعارض میان این ریشه‌ها، فطرت دارای ارزش بالاتر است و اوست که انسان را به هدف غایی‌اش؛ یعنی کمال رهنمون می‌شود.

### نتیجه‌گیری

به علت لزوم اجرای کیفرهای سنگین و نیاز مبرم به تسریع در رسیدگی و دفاع به موقع و مؤثر از حیات نظامی کشور و حفظ اسرار نظامی، دادگاه‌های نظامی جهت رسیدگی به جرائم خاص نظامی و انتظامی نظامیان ایجاد گردید. منظور از جرائم نظامی و انتظامی، بزه‌هایی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های نظامی و انتظامی خود مرتکب گردند. لذا رسیدگی به این دعاوی به علت خصوصیت ویژه آنها در دادگاه‌های عمومی امکان‌پذیر نمی‌باشد. از



این‌رو نیاز مبرم به مراجع اختصاصی است که با تشریفات خاص دادرسی اداره شود. این مرجع برحسب مورد به برخی از امور خاص و یا دعاوی مربوط به اشخاص خاص مورد نظر رسیدگی می‌نماید که به آن دادگاه‌های نظامی می‌گویند. در خصوص نظامیان به موجب اصل ۱۷۲ قانون اساسی و ماده ۱ قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ رسیدگی به جرائم مربوط وظایف نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح جمهوری ایران، ارتش، سپاه، ژاندارمری، شهربانی، پلیس قضایی، کمیته انقلاب اسلامی و هر نیروی مسلح دیگر، در صلاحیت دادگاه خاص نظامی است و به موجب ماده ۶ قانون مذکور در مراکز استان‌ها، سازمان قضایی نیروهای مسلح مرکب از دادگاه و دادرسی نظامی و در شهرستان‌های مورد نیاز، ناحیه دادرسی نظامی تشکیل می‌شود.



## منابع و مأخذ

۱. استوار سنگری، کوروش (۱۳۸۴). حقوق تأمین اجتماعی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۲. اکبری، حمیدرضا (۱۳۹۲). نگاهی به حقوق شهروندی، نشر الکترونیکی کتاب سبز.
۳. امامی، میر سید حسن (۱۳۹۲). حقوق مدنی، چاپ بیست و شش، تهران: انتشارات مجد.
۴. امیدی، جلیل (۱۳۸۳). مقدمه ای بر تاریخ حقوق، تهران: نشر احسان.
۵. باربالت، جی. ام (۱۳۸۳). حقوق شهروندی، مترجم: جواد کارگزاری، نشریه حقوق اساسی.
۶. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵). نهج الفصاحه، ترجمه: ابوالقاسم گردآورنده مرتضی فرید تنکابنی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. پرادل، ژان (۱۳۷۶). به دنبال اصول راهبردهای مشترک آیین‌های دادرسی کیفری، مترجم: منوچهر خزانی.
۸. پروین، فرهاد (۱۳۹۱). رابطه متقابل حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۳). مقدمه عمومی علم حقوق، چاپ هشتم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۰. حریریان، مهدی و دیده‌ور، آرش (۱۳۹۰). تاریخچه سازمان قضایی نیروهای مسلح، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۸۵). رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)، شرح نراقی، قم، انتشارات مهدی نراقی، چاپ سوم.